

فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص)

عباسعلی فراهتی

اشاره:

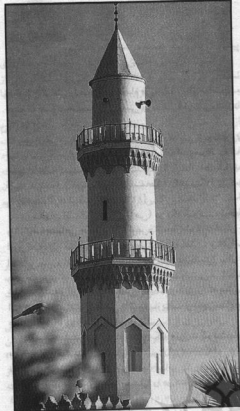
مقاله حاضر، برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با عنوان «مسجد و تأثیرات علمی - اجتماعی آن در جامعه اسلامی از آغاز تا پایان حکومت اموی» است که توسط آقای عباسعلی فراهتی و با راهنمایی آقای دکتر نورالله کسایی در سال ۱۳۶۹ نگاشته شده است.

مسجد الحرام

خانه کعبه، تاریخی بس کهن دارد. از بررسی آیات قرآن کریم و روایات اسلامی که محکمترین سند و مدرک درباره بنای این مسجد است، چنین بر می آید که خانه کعبه نخستین بار توسط حضرت آدم (ع) بنا نهاده شد، و چون در اثر گذشت زمان دستخوش ویرانی گردید، به وسیله حضرت ابراهیم (ع) تجدید بنا یافت.

در متون جغرافیای اسلامی آمده است که: حضرت آدم (ع) خانه را به اشارت فرشته ای که از جانب خداوند او را راهنمایی می کرد، و حدود و محل آن را به وی نشان داد مقابل بیت المعمور که در آسمان است بنیان نهاد، و چون از بنای آن فراغت یافت به اعمال حج پرداخت. [ابن رسته، اطلاق، ۳۵]

یعقوبی به نقل از منابع اسلامی آورده است که: آدم چون فرود آمد، گریه اش بسیار و اندوهش بر جدایی از بهشت پیوسته بود. سپس خدایش الهام فرمود که: «لا اله الا انت



مئذنة مسجد قبة مدینه

گردان خانه‌ام را از برای طواف کنندگان و اقامت کنندگان و راکمان و ساجدان و ندا در ده در میان مردم به حج، پس بیایند به سوی تو پیاده و سواره از مکانهای دور و دواز. [صح/۲۷/۱۸۸]

پس از دعوت ابراهیم (ع)، مردمان از هر سو از هر قوم و طایفه برای زیارت خانه خدا به سوی آن می شافتند. چنانکه گفته اند: پارسایان کعبه را محترم می داشتند، و معتقد بودند که روح فهرمز در آن حلول کرده است، و چه بسا که به عزم زیارت به آنجا مسافرت می کردند. [طباطبایی، العیاز، ج ۳، ۳۹۸] و به کعبه نزدیکی می جستند، دو آعوی زریعی که عبدالمطلب هنگام کندن چاه زمزم یافته بود از قرباتیهای آنان بوده است. [ابن خلدون، ج ۱، ۶۹۱]

بهدیدان نیز خانه کعبه را بزرگ می شمردند، و در آنجا خدا را معطابق دین ابراهیم (ع) پرستش می کردند. همچنین مسیحیان این خانه را مقدس می دانستند و در صورت از مریم و مسیح (ع) در آنجا نصب کرده بودند. و از طرفی اعراب جاهلی بالاترین

سبحانک و بحمدک عملت سوء و ظلمت نفسی، فاعفر لی انک انت الغفور الرحیم. فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه (خدایی جز تو نیست. پاک و منزهی از هر عیب، و به حمد و سپاسگزاری تو مشغولم، بدی کردم و بر خود ستم روا داشتم، پس بیامرز مرا، همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی. آنگاه آدم کلماتی را از پروردگارش دریافت، پس به سوی او بازگشت. و خداوند نیز او را برگزید و از بهشت پریش حجرالاسود را فرستاد، و آدم را فرمود تا آن را به مکه برد و برای خدا خانه ای بسازد. پس آدم به مکه رفت، و خانه را ساخت و گرد آن طواف کرد. [مقبوی، تاریخ، ج ۱، ۲۰۱]

پس از آدم (ع) دیگر پیامبران الهی مانند نوح (ع) به زیارت این خانه شتافتند و در آنجا به عبادت و اعمال حج پرداختند. تا این که در اثر طوفان نوح کعبه دستخوش ویرانی شد، و از بین رفت.

از آن پس نیز با وجود ویرانی خانه، مردمان جهت حج به مکه می آمدند، و محل خانه را که تپه ای قرمز و به گل پوشیده شده بود، زیارت می کردند.

همچنین، هرگاه سختی و بلایی بر ایشان نازل می شد، بدان روی می آوردند و از خداوند طلب گشایش می کردند. و بدین سان خانه کعبه، از آغاز با عظمت و با شکوه بود، و تمامی اقوام و ملل آن را مقدس و گرامی می داشتند. [ابن رسته، ۳۶، ۳۷]

چون ابراهیم (ع) از جانب خداوند به رسالت برانگیخته شد، و پس از اتفاقاتی که در زندگانی وی و همسرش ساره و بی مهری او نسبت به هاجر روی داد، خدا به وی وحی کرد تا هاجر و فرزندش اسماعیل را به سرزمین حجاز برد و آنان را در محل خانه جای دهد. ابراهیم (ع) فرمان الهی آن دو را از شام به مکه برد، و در کنار خانه کعبه - که در آن روز کار خارستان و سنگلاخی پر از ریگهای تیره بود - نهاد، و از آنها جدا شد. [ابن خلدون، مقدمه، ۶۹۰] آنگاه گفت: پروردگارا من خانواده ام را در محلی بی کشت و زرع، و در جوار خانه محترم تو جای دادم، تا نماز را بپا دارند. پس تو دلهای مردم را به سوی ایشان متوجه گردان، و به انواع ثمرات، ایشان را روزی ده، باشد که شکرت به جای آورند. [ابراهیم، ۳۷]

در تاریخ چنین آورده اند که اسماعیل در میان قبیله اجرمه بزرگ شد و ازدواج کرد، برای خود در جایگاه کعبه، خانه ای برگزید، و در آن ساکن شد. ابراهیم (ع) برای دیدن فرزندش از شام به آن ناحیه می رفت. تا اینکه در آخرین سفر از جانب خداوند به او فرمان رسید که در محل خانه اسماعیل، خانه کعبه را بنیان نهد. [ابن خلدون، ۶۹۰]

ابراهیم (ع) به کمک اسماعیل به کار ساختن خانه پرداخت، و چون پایه ها را بالایبرد مردم را برای برگزاری فریضه حج دعوت کرد. خداوند در سوره حج به این موضوع اشاره کرده است و می فرماید: هنگامی که تعیین کردیم برای ابراهیم جای خانه را که شریک مگردان با من چیزی را و پاک

امامت آن حضرت در آنجا برگزار گردید. [سهودی، ج ۱، ۱۷۹] برخی از مورخان نیز برآنند که این مسجد توسط مسلمانانی که پیش از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه عزیمت کرده بودند بنا شده است. [ابن شبه، تاریخ، ج ۱، ۵۱؛ بلاذری، فتوح، ج ۱، ۱۷]

گفته اند: پیامبر اکرم (ص) این مسجد را بسیار ارج می نهاد، و اصحاب را به خواندن نماز در آن تشویق می کرد، و می فرمود: «من اتی مسجدی مسجد قبا وصلی فیه رکعتین رجع بعمرة» (هرکس به مسجد من؛ یعنی مسجد قبا بیاید و در آن دو رکعت نماز بگزارد، ثواب عمرة ای را دارد.) [کافلی، تحفه، ۳۵] آن حضرت خود نیز هر هفته روزهای شنبه به قبا می آمد، و در این مسجد به نماز می ایستاد. [سهودی، ج ۲، ۱۶]

مسجد قبا، در زمان رسول اکرم (ص) نه تنها در زمینه فعالیت های عبادی مورد استفاده بود، بلکه کار تدریس و آموزش علوم اسلامی نیز در آن صورت می گرفت. چنانکه از مکحول روایت شده که گفت: ده تن از یاران پیامبر (ص) مرا گفتند که ما در مسجد قبا درس می خواندیم، چون پیامبر بیرون می رفت فرمود: آنچه می خواهید بدانید فرا گیرید و خدای، شمارا پاداش ندهد مگر آنچه را فراگرفته به کار بندید. [رزقانی، مناهل، ج ۱، ۳۱۴]

مسجد النبی در مدینه منوره

این مسجد پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به وسیله آن حضرت، در نخستین روزهای اقامت ایشان در مدینه ساخته شد. از همان بدو تأسیس نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مسلمانان برای ادای فرائض دینی مورد استفاده بود، بلکه نخستین کانون فعالیت های علمی، سیاسی و اجتماعی نهضت جهانی اسلام نیز به شمار می رفت. در واقع پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان رسول خدا (ص) در این مسجد بنیانگذاری شد، و اصول و مبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد. در ذیل نمونه هایی از فعالیت های این مسجد در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. فعالیت های عبادی:

الف: اقامه نمازهای جماعت

مسجد پیامبر (ص) در مدینه نخستین کانونی بود که از بدو تأسیس به منزله مرکز اصلی تمامی فعالیت های عبادی مسلمانان، مورد استفاده قرار گرفت. یکی از این فعالیتها برپایی آیینهای جماعت در این مسجد بود. مسلمانان به سبب تعالیم قرآن مجید و رهنمودهای پیامبر (ص)، نسبت به حضور در مسجد و شرکت جستن در نماز جماعت اشتیاق خاصی از خود نشان می دادند. آنان در هر شبانه روز، پنج بار از دور و نزدیک بدین مسجد می شتافتند و با تشکیل صفوفی منظم به ادای قرائض دینی به امامت رسول خدا (ص) می پرداختند.

تعظیم و کرنش را درباره آن انجام می دادند، و از هر سوی به عنوان حج به آنجا روی می آوردند. [طباطبایی، میزان، ج ۳، ۳۹۸]

پس از ابراهیم (ع) فرزندش اسماعیل (ع) و پس از وفات وی فرزندانش همراه دایه هایشان - از خاندان «جرهم» - به کار خدمت خانه کعبه همت گماشتند. پس از ایشان «عمالقه» و «قبیله خزاعه» و دوباره فرزندان اسماعیل (ع) خدمتگزاری کعبه را به عهده گرفتند. [ابن خلدون، ۶۹۳]

در سالهای اقامت پیامبر اکرم (ص) در مکه، به سبب اوضاع و شرایط اجتماعی حاکم بر این شهر و تسلط مشرکان قریش بر امور کعبه، این مسجد آنچنان که باید در زمینه اهداف و اغراض اسلامی مورد استفاده قرار نمی گرفت. اما در دومین سال از هجرت نبوی که مسجد الحرام به عنوان قبله رسمی مسلمانان شناخته شد، و این مکان مقدس، جایگاه والایی را که پیش از این در زمان پیامبران الهی داشت بازیافت و بدین سان بر عظمت و شکوه و اعتبار آن افزوده شد.

در سال هشتم هـ. ق، که فتح مکه صورت گرفت، این مسجد از وجود بتان که سالها از سوی اعراب جاهلی در آن نگهداری می شد، پاکسازی شد. آنگاه پیامبر اکرم (ص) در آنجا به نماز ایستاد و سپس خطبه مفصلی را در کنار خانه خدا ایراد فرمود. [واقفی، المغازی، ج ۲، ۶۳۸]

از آن پس کار تدریس و فعالیت های آموزشی در این مسجد آغاز شد، و شخصیت های بزرگی از صحابه، مانند: عتاب بن اسید، معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری که به ترتیب از سوی پیامبر (ص) به عنوان استاندار مکه و معلمان احکام و مسائل دینی در این شهر منصوب شده بودند، در آنجا به تعلیم قرآن و مبانی فقه اسلامی پرداختند. [واقفی، المغازی، ج ۳، ۷۲۹]

این مسجد بزرگ در روزگار خلفا و نیز در دوره امویان در شمار یکی از مراکز مهم علوم اسلامی درآمد.

مسجد قبا

این مسجد که پس از هجرت نبوی به وسیله پیامبر اکرم (ص) در محلی به نام «قبا» و در فاصله دو میلی جنوب مدینه بنا شد، نخستین مسجد در اسلام است. [سهودی، وفاء، ج ۲، ۱۶]

بر اساس روایات این آیه درباره مسجد قبا نازل شده است: «لمسجد اسس علی التقوی احق من ان تقوم فیه، فیه رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین». [توبه/۱۰۸]

به گفته اکثر مورخان اسلامی، بنای این مسجد در مدت اقامت چند روزه رسول اکرم (ص) در قبا نهاده شد. [ابن اثیر، کامل، ج ۱، ۱۲۱] و نخستین نماز جماعت پس از هجرت به

پیشینه تاریخی نماز جمعه در اسلام می‌افکنیم.

از متون تاریخی چنین بر می‌آید که نماز جمعه برای نخستین بار کمی پیش از هجرت پیامبر (ص) بوسیله گروهی از مسلمانان در این شهر برگزار شد و بر اساس برخی از گزارشها امامت آن را اسعد بن زراره بر عهده داشته است. از عبدالرحمن بن کعب روایت شده است که هنگامی که پندم کور شده بود و من او را برای نماز جمعه می‌بردم، هر وقت صدای اذان جمعه را می‌شنید بر اسعدبن زراره رحمت و درود می‌فرستاد. با خود اندیشیدم که این به چه سبب است؟ تا این که در یکی از روزهای آدینه از او جویا شدم، گفت: به خاطر آن است که او نخستین کسی بود که نماز جمعه را با ما، در مدینه به جا آورد.

گفتم: آن روز چند نفر بودید؟
گفت: ۴۰ نفر. [همدانی، سیرت، ج ۱، ۲۷۳]

در گزارشهای دیگری نیز چنین آمده است: مصعب بن عمیر - که از سوی پیامبر (ص) به عنوان معلم قرآن و مسائل دینی به مدینه اعزام شده بود - پس از دریافت حکمی از آن حضرت برای نخستین بار نماز جمعه را در این شهر اقامه کرد.

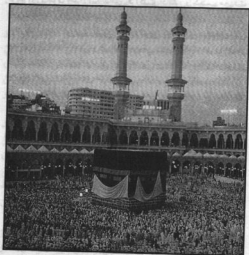
اما اولین نماز جمعه‌ای که رسول خدا (ص) با اصحابش اقامه کرد به هنگام هجرت به مدینه و پیش از وارد شدن به این شهر در محل طایفه بنی سالم در میان دره‌ای بنام «رانونا» بود. [مسعودی، مروج، ج ۲، ۶۳۵] پیامبر اکرم (ص) در این نماز خطبه‌ای ایراد فرمود که نخستین خطبه آن حضرت در مدینه بود. [طبری، تاریخ، ج ۳، ۹۲۶]

ابن هشام، طبری و دیگر مورخان این خطبه را در کتابهای خود آورده‌اند.

باید دانست پس از بنیاد مسجد نبوی در مدینه، نماز جمعه هر هفته به امامت رسول خدا (ص) و در غیاب آن حضرت توسط یکی از اصحاب و به نیابت از ایشان برگزار می‌شد. عروبه بن زبیر به نقل از عایشه می‌گوید: مردم در روز جمعه، دسته دسته از خانه‌های مدینه و روستاهای اطراف به سوی نماز جمعه حرکت می‌کردند و بدین سبب گردوغبار فضا را احاطه می‌کرد و مسرودم را در بسر می‌گرفت.

[منلم، صحیح، ج ۳، ۳۰۳] و از زهری نقل شده که مردم «ذوالحلیفه» در جماعت رسول اکرم (ص) حاضر می‌شدند، با آنکه تا مدینه شش میل فاصله داشتند. [بیهقی، سنن، ج ۳، ۱۷۵]

درباره چگونگی برگزاری نماز جمعه بوسیله رسول اکرم (ص)، در متون تاریخی آمده است: آن حضرت در روز جمعه در حالی که بر روی پشمی بر تن و عمامه‌ای مشکین بر سر داشت، به مسجد می‌آمد، سپس، کمی پیش از اذان ظهر به منبر می‌رفت و به همه حاضرین سلام و تحیت می‌فرمود. آنگاه کمی می‌نشست تا این که مؤذنها از گفتن اذان فارغ می‌شدند. سپس برخاسته و به ایراد خطبه نخست مبادرت می‌فرمود، پس از پایان این خطبه جلوس کوتاهی داشت و با کسی سخن نمی‌گفت.



از آنجا که این آیین دسته جمعی در تحکیم روابط، میان مسلمانان و تحقق وحدت در جامعه اسلامی نقش بسزایی داشت، پیامبر (ص) به هیچ یک از مسلمانان اجازه نمی‌داد بدون داشتن عذری از حضور در این فریضه الهی سرباز زند. چنانکه در روایات اسلامی آمده است آن حضرت کسانی را که از شرکت در نماز جماعت امتناع می‌کردند به شدت تهدید کرد و خطاب به ایشان فرمود: «لن تحضرن المسجد الا حرقن علیکم منازلکم» (باید در مسجد حضور یابید و اگر نه خانه‌هایتان را با شما به آتش می‌کشم). چون این خبر در مدینه انتشار یافت مردی نابینا به نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله اناضیر البصر و ربما اسمع النداء ولا اجد من یقود لی الی الجماعة والصلاة معک» (من مردی نابینا هستم، و چه بسا صدای اذان را می‌شنوم، اما کسی را نمی‌یابم که مرا برای نماز خواندن با شما به مسجد بیاورد).

پیامبر (ص) فرمود: «شد من منزلک الی المسجد حیلاً و احضر الجماعة» (حر عاملی، وسائل، ج ۵، ۳۷۷) [طنبلی از منزلت به مسجد بیند و بدین وسیله در جماعت مسلمانان شرکت کن].

از این روایت چنین بر می‌آید که در عصر رسول خدا (ص) تمامی مسلمانان حتی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می‌جسته‌اند، و به این ترتیب مساجد آن روزگار بویژه مسجدهایی از جهت برگزاری آیینهای جماعت بسیار فعال بوده است.

ب: برگزاری مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه در این مسجد پیش از پرداختن به این بحث، نگاهی - هرچند گذرا - به

کردم ای رسول خدا! من برای فراگیری دانش و کسب معرفت بدین مسجد روی آوردم.

رسول خدا فرمود: آفرین بر تو، تویی که پویای علم و دانش هستی، فرشتگان با پر و بال خویش وجود دانشجو را در بر گرفته و چنان در پیرامون او انباشته می شوند که آسمان دنیا را از محبت خود به دانشجو سرشار می سازند. [شهد ثانی، منیه، ۲۶]

پیامبر اکرم (ص) اصحاب را توصیه می فرمود تا مطالب علمی که برای ایشان بیان می کند، بنویسند، حفظ نمایند و از یکدیگر سؤال کنند. چنانکه از آن حضرت روایت شده است: «شفا الغی السؤال: [ابن عبدالبر، جامع، ۴۳] (شفا و درمان جهل پرسیدن است). همچنین از «عمرو بن شعیب» به نقل از جدش روایت شده که گفت: به رسول خدا (ص) عرض کردم آیا بنویسم آنچه را از شما می شنوم؟

فرمود: بلی

گفتم: هر چند در حالت خشنودی یا غضب بودید.

فرمود: بلی، فانی لا قول فی ذلک کله الا حقاً: [ابن عبدالبر، ۳۶] و نیز عبدالله بن عمر می گوید: «هر آنچه را که از رسول خدا (ص) می شنیدم می نوشتم، پس قریش مرا از این کار باز داشتند و گفتند: آیا آنچه را که از رسول خدا (ص) در حالت رضا و غضب می شنوی می نویسی؟ بنابراین، از نوشتن خودداری کردم و با رسول خدا (ص) این موضوع را در میان گذاشتم.

آن حضرت فرمود: «اكتب فوالذی نفسی بیده ما یخرج منه الا حق». [ابن عبدالبر، ۳۶] (بنویس، زیرا به خدایی که جانم در دست قدرت اوست از این دهان سخنی به جز حق خارج نمی شود).

پیامبر اکرم (ص) در ترغیب اصحاب به حفظ مطالب می فرمود: «نضر الله امرأ سمع منا حدیثاً فحفظه وبلغه غیره» [ابن عبدالبر، ۲۲] (خداوند شادمان کند کسی را که از ما سخنی بشنود و آن را حفظ کرده و به دیگری برساند).

گذشته از اهمیتی که اسلام به علم آموزی می دهد، در متون اسلامی، روایات فراوانی، وجود دارد که بر فعالیت‌های علمی مسجدالنبی (ص) در آن روزگار دلالت می کند: «ابن ماجه از ابوهریره روایت کرده است که رسول خدا (ص) می فرمود: «من جاء مسجدی هذا لم یأته الا لخیر یتعلمه او یعلمه فهو بمنزله المجاهد فی سبیل الله...» [سهودی، ج ۲، ۳۰۱] (هرکس به مسجد من بیاید و هدفی جز فراگیری دانش یا آموختن به دیگری نداشته باشد بسان مجاهدی است که در راه خدا به جهاد می پردازد).

همچنین روایت شده که رسول خدا (ص) به اصحاب می فرمود: «افلا یغدو احدکم الی المسجد فیعلم او یقرأ آیتین من کتاب الله عزوجل...» [ابن ماجه، ۲۵۱] (آیا یکی از شما به مسجد نمی آید تا بیاموزد یا بخواند آیه از آیات کتاب خدا را). و نیز از اصحاب پیامبر اکرم (ص) روایت شده که به آن حضرت

سپس، می ایستاد و خطبه دوم را آغاز می کرد. [بیهقی، ۲۰۵]

خطبه های آن حضرت، غالباً کوتاه و مشتمل بر آیات قرآن، مواعظ و نصایح آموزنده بود، [ابن ماجه، سنن، ج ۱، ۳۵۱] و معمولاً با این جملات آغاز می شد: «الحمد لله نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا، من یهد الله فلا مضل له و من یضل الله فلا هادی له و اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالحق بشیراً و نذیراً بین یدی الساعة، من یطع الله و رسوله فقد رشد، و من یعصمهما فانه لایضر الا نفسه و لایضر الله شیئاً. [منذری، سنن، ج ۲، ۱۷]

چون رسول خدا (ص) از دو خطبه فراغت می یافت، با مردم به نماز می ایستادند. در رکعت نخست، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره منافقون را قرائت می کردند. [مسلم، ج ۳، ۱۶]

باید دانست که علاوه بر مسجد پیامبر (ص) در مدینه، در مساجد شهرهای دیگر و حتی در روستاهای مسلمان نشین جزیره العرب نیز در این دوره، نماز جمعه به امامت برخی از اصحاب پیامبر (ص) برگزار شد، و جمع کشیری در آن شرکت می کردند. از مالک روایت شده است: «کان اصحاب رسول الله (ص) یصلون الجمعة فی هذه القرى الی بین مکه والمدینه» [طوسی، خلاف، ج ۱، ۳۲۲] (اصحاب رسول خدا (ص) نماز جمعه را در روستاهای بین مکه و مدینه اقامه می کردند). همچنین گفته اند: نخستین نماز جمعه ای که بعد از مسجدالنبی (ص) در آن اجتماع عظیمی گرد آمد، در مسجد عبدالقیس در «جوانی» بحرین بود. [منذری، ج ۲، ۳۲۲]

به این ترتیب می توان دریافت که نماز جمعه - به عنوان یکی از فعالیت‌های عبادی مساجد -، نه تنها در مسجد نبوی، بلکه در بیشتر مساجد بزرگ مراکز بلاد، شهرها و روستاهای جزیره العرب، برگزار می شد.

۲. فعالیت‌های آموزشی

اگر چه در زمان پیامبر (ص) بیشتر مساجد مدینه در زمینه فعالیت‌های آموزشی مورد استفاده بود. اما مسجد نبوی در این شهر به عنوان جایگاه اصلی و مهمترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی به شمار می رفت، زیرا در این مسجد معلم بزرگ انسانیت، حضرت محمد (ص)، شخصاً به کار تعلیم و ارشاد مسلمانان مشغول بودند، و در پرتو تعالیم و وحی فصلهای نوینی از اصول و مبادی دانش‌های اسلامی را برایشان عرضه می کردند. آن حضرت پس از ادا نماز و نیز در فرصت‌های دیگر، مسلمانان را در حلقه های دانش به گرد خود فرا می خواند و به آنان قرآن و فقه دین می آموخت. از صفوان بن غسان روایت شده است: به حضور پیامبر اکرم (ص) رسیدم در حالی که آن حضرت بر برد سرخ فام خویش تکیه داده بود. عرض



عرض می کردند: «اما نجلس عندک لتعلم منک». (همانا هدف از نشستن ما در نزد تو این است که از تو دانش بیاموزیم).

باید توجه داشت که حلقات و جلسه های آموزش قرآن و احکام اسلامی در بیشتر ماههای روز و حتی شبانگاه در این مسجد تشکیل می شد، و علاوه بر رسول خدا(ص) شخصیت های بزرگ صحابه همچون امیرمؤمنان(ع)، ابن مسعود، زید بن ثابت، ابن بن کعب و... در این نشستها به تعلیم کتاب خدا و فقه اسلامی به مسلمانان می پرداختند.

در روایات آمده است: بانگ تلاوت قرآن قاریان در مسجد مدینه به گونه ای طنین انداز بود که هیچ صدای از صدای دیگر باز شناخته نمی شد. از این رو پیامبر اکرم(ص) برای جلوگیری از اشتباه در خواندن، دستور فرمود: کسی آهسته تر بخوانند. [زرقانی، ج ۱، ۲۳۴] اصحاب صفا نیز - که مدتی در این مسجد می زیستند - در آنجا به آموختن قرآن می پرداختند، و عبادت بن صامت معلم ایشان بود. [کنزی، ترتیب، ج ۱، ۴۰۱] به این ترتیب می توان دریافت که مسجد نبوی در مدینه، از آغاز، همواره جایگاه تعلیم قرآن و حدیث و کاتون وعظ و ارشاد، و مدرسه فقه و علم بوده است.

۳. فعالیتهای ادبی

فعالیتهای علمی مسجد النبوی، به آموزش قرآن و بحث و بررسی پیرامون مسائل دینی محدود نبود، بلکه انجمنهای ادبی نیز در این مسجد تشکیل می شد، و شاعران و سخنوران بزرگ عرب در حضور رسول اکرم(ص) به انشادشعر و ایراد خطابه می پرداختند.

پیامبر اکرم(ص) شعر متعددی را که در خدمت مکارم اخلاقی و بیان ارزشهای معنوی بکار گرفته می شد، ارجح می نهاد، و می فرمود: «فان من الشعر لحکمة و ان من الیبيان لسحرا» [ابنی، الغنیر، ج ۲، ۹۲] و نیز روایت شده که فرمود: «ان لله کنوزاً تحت العرش مفتاحیها السنة الشعراء» [معددا، امثال، ج ۱، ۲۱۰] (همانا خدای را در زیر عرش گنجهایی است که کلیدهایش زبانهای شاعران است).

رسول خدا(ص) خطاب به شاعران می فرمود: «ما یتمع القوم الذین نصر وارسول الله بسلاحهم ان ینصروه بالستهم» [شوقی، ضیف، ج ۲، ۴۶۰]

هنگامی که آیه شریفه: «الشعرا یتبعهم الغاؤون» نازل شد، عبدالله بن رواحه، کعب بن مالک و حسان بن ثابت هر دو حالتی که می گریستند به نزد پیامبر(ص) آمدند و گفتند: ای رسول خدا! خدای تعالی در حق شاعران این بیگفت و ما شاعریم.

پیامبر اکرم فرمود: آیات تمام برخوانید: الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات... سپس ایشان دلخوش شدند. [راز، تفسیر، ج ۳، ۳۷۲] همچنین روایت شده که: پیامبر اکرم(ص) هنگامی که حسان بن ثابت اشعار معروف خود را

روز غدیر خم خوانند در تأیید وی گفت: «الازلت موبدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک» [ابنی، ج ۲، ۷۰۲] (همواره امین وحی تو را تأیید کند که ما را با زیانت یاری کردی). و اینک گزارشهایی از فعالیتهای ادبی در این مسجد:

۱. واقعه نوشته است: پیامبر (ص) دستور داده بود برای حسان بن ثابت در مسجد منبری نهاده بودند، و او اشعارش را از بالای منبر می خواند. [واقعه، ج ۲، ۱۷۲] به این ترتیب می توان دریافت که مسجد پیامبر(ص) در آن روزگار کانون شعر و ادب و محفل شاعران و ادیبان نیز بوده است.

۴. فعالیتهای سیاسی و اجتماعی در این مسجد

مسجد در این دوره به عنوان یک نهاد چند نقشی - علاوه بر اینکه مرکز عبادت و جایگاه دانش بود - مرکز جبهه تبلیغاتی و نهضت، مقر دادرسی و قضاوت، قراگاه سیاسی دولت و کانون تعاون اجتماعی نیز به شمار می آمد.

پیامبر اکرم(ص) معمولاً در این مسجد، مسلمانان را برای جهاد با کفار بسیج می کردند. در این زمینه در متون تاریخی روایات فراوانی وجود دارد که در اینجا برای نمونه به یک گزارش اشاره می کنیم. هنگامی که پیامبر(ص) خبر یافت، جمع

۴. ابن عبدالبرثمیری، ابوعمریوسف قرطبی، جامع بیان العلم و فضله، قاهره، اداره الطباعة المنیره

۵. ابن شبه، تاریخ المدينة المنورة، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۶۸

۶. ابن ماجه، قزوینی، محمدبن یزید، سنن، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ هـ. ق

۷. امینی، عبدالحسین، السغیر، ترجمه جلال الدین فارسی، تهران، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳

۸. بخاری، ابو عبدالله بن محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، شرح کرمانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ هـ. ق

۹. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، تعلیق رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالکتب العلمیة

۱۰. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت

۱۱. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، بیروت، داراحیاء التراث العربی

۱۲. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷

۱۳. رازی، ابوالفتح، تفسیر، تصحیح مهدی الهی قمشه ای، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۵

۱۴. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، داراحیاء الکتب العربیة

۱۵. سهودی، شهاب الدین احمد حسینی، وفاء الوفاء باخباردارالمصطفی، مصر، مطبعة الادب والمؤید ۱۳۲۶ هـ. ق

۱۶. شهید ثانی، زین الدین جنعی عاملی، منیة المرید، به کوشش سیداحمد حسینی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیة ومطبعة الخیام، ۱۳۰۲ هـ. ق

۱۷. شوقی، ضیف، تاریخ الادب العربی، قاهره

۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، نشر فرهنگ رجاء

۱۹. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲

۲۰. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الخلاف، نجف

۲۱. کاظمی، خوانساری، سیدمحمد مهدی، تحفة الساجد فی احکام العساجد، بغداد ۱۳۷۶ هـ. ق

۲۲. کتانی، الترتیب الاداریة، بیروت، داراحیاء التراث العربی

۲۳. مفید، محمدبن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیة اسلامیة

۲۴. منذری، حافظ ابوداود، سنن، بیروت، دارالمعرفة

۲۵. همدانی، رفیع الدین اسحاق بن احمد، سیرت رسول الله (ص) تحقیق اصغر مهدوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۰

۲۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳

کثیری از مشرکان حجاز با یکدیگر هم پیمان شده اند تا اسلام را از میان بردارند. و در این راه یا کشته شوند یا پیامبر (ص) و دیگر سران نهضت را از پای درآورند، به مسجد آمد و دستور داد مسلمانان را فرا خوانند. چون مردم در مسجد گردآمدند، پیامبر (ص) بالای منبر قرار گرفت و سخنانی ایراد کرد، و در ضمن آن مسلمانان را از خطر دشمن آگاه ساخت. سپس فرمود که جمعی از شما باید برای رفع این فتنه ها قیام کنند. در این هنگام گروهی از مسلمانان آمادگی خود را برای دفاع اعلام کردند. آنگاه پیامبر (ص) ایشان را به صورت سپاهی منظم به فرماندهی ابوبکر به نقطه دشمن گسیل داشت. [مفید، ۸۴]

پیامبر اکرم (ص) در این مسجد، نمایندگان و سران اقوام و قبایل مختلف را به حضور می پذیرفتند. چنانکه نمایندگان قبیله ثقیف و نیز نمایندگان اسقف نجران در این مسجد به حضور پیامبر (ص) رسیدند. [حلبی، ج ۳، ۲۱۲]

کلیه فعالیت های قضایی نیز در این مسجد صورت می گرفت و حتی متهم در آنجا حبس می شد. متخاصمان نیز در همانجا به اظهار دعوی خویش می پرداختند. [بخاری، صحیح، ج ۳، ۸۱]

از این گذشته مسجد نبوی به عنوان مرکز خدمات اجتماعی نیز مورد استفاده بود. اموال عمومی در این مسجد تقسیم و غنائم جنگی نیز در آنجا میان مسلمانان توزیع می شد. در صحیح بخاری آمده است: «مالی را از بحرین برای رسول خدا (ص) آورده بودند. آن حضرت فرمود: آن را در مسجد توزیع کنید. و این بیشترین مالی بود که در این مدت برای پیامبر (ص) آورده بودند. آنگاه رسول خدا (ص) برای ادای نماز به مسجد آمد. سپس در کنار آن مال نشست، و هیچ کس نبود مگر اینکه پیامبر (ص) چیزی از آن مال را به او بخشید. [حلبی، ۷۸]

علاوه بر اینها، گروهی از مستمندان مسلمان نیز در این مسجد زندگی می کردند همچنین مجروحان جنگی معمولاً در این مسجد بستری و معالجه می شدند. [واقعی، ج ۱، ۱۸۰] و به این ترتیب مسجد النبوی در آن روزگار به عنوان یک کانون و مرکز تمامی فعالیت های عبادی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان به شمار می آمد.

منابع:

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جرزی، الکامل، ترجمه عباس خلیلی، به کوشش سادات ناصری، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشار کتب ایران، ۱۳۴۴

۲. ابن خلدون، ولی الدین عبدالرحمان بن محمد، المقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵

۳. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره جانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵